

نماز مقبول

قسمت نهم

نماز مقبول

و استعدادهای برجسته و ویژه خود را شکوفا کند و بر فقر مطلق خویش آگاه شود، دریچه قلب خویش را برای تابش نور ایمان به خداوندی که غنی بالذات است و کمال مطلق و نور آسمانها و زمین است می‌گشاید و از آنجا که انسان به طور غریزی ستایشگر و پرستشگر کمال است و تمام احسامهای ستایشگرا و پرستشگرانه‌ای که نسبت به هر موجودی دارد معلول کمال نسبی یا کمال موهومی است که در آن می‌بیند. وقتی کمال مطلق و حقیقت کمال و جلال را در آفریدگار کمال یافت خود بخود و بطور طبیعی و متناسب با ایمان و دریافتی که نسبت به خداوند کسب کرده به ستایش و پرستش او می‌گراید و به نماز که اوج پرستش و کمال ستایش اوست قیام میکند و در همین مقطع است که انسان از بیراهه ضلالت به صراط مستقیم عبادت که همان راه رسیدن به خدا و پیوند با کمال مطلق و اتصال به منبع عزت و قدرت است راه می‌یابد و خود مظهر کمالات میشود:

«الاصالحین» مگر نماز گزاران که دارای ویژگیهای ذیل هستند:

۱- مداومت در نماز کنند: «الذین هم علی صلاتهم دائمون».

همان کسانی که نماز خویش پیوسته کنند.

۲- اتفاق به دیگران کنند: «والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل

والمحروم».

و کسانی که خواهند و محروم در اموال آنها حقی معلوم دارد.

۳- تصدیق به روز جزا کنند: «والذین یصدقون بیوم الدین».

و کسانی که روز جزا را تصدیق کنند.

۴- از عذاب الهی هراسانند: «والذین هم من عذاب ربهم مشفقون ان

عذاب ربهم غیر مأمون».

و کسانی که از عذاب پروردگارشان هراسانند که از عذاب

پروردگار ایمن نتوان بود.

با ذکر شمه‌ای از آثار و پوی آمدهایی که مربوط به تحقق حداقل نماز یعنی نماز صحیح و مجزی است به این نتیجه می‌رسیم که حتی نازلترین مرتبه نماز در چه حد وسیع و گسترده‌ای تمام شوند زندگی انسان را تحت تأثیر مستقیم و غیر مستقیم قرار می‌دهد، ولی این همه در برابر آثار بسی کران نماز مقبول و کامل همچون قطره‌ای است در مقابل دریا. و اینک گوشه‌ای دیگر از آثار شگرف نماز را مورد اشاره قرار می‌دهیم تا به عظمت نمازی پی برده و متذکر شویم که فقط به انجام صحیح ظاهری و تحقق بخشیدن به صورت نماز اکتفا نکرده و همواره بکوشیم تا به حقیقت نماز کامل یعنی نماز مقبول دست یابیم که دارای آن آثار شگفت‌انگیز می‌باشد. و اینک، نمونه‌هایی از آیات قرآن که نماز را سرچشمه کمال انسان و محور مهم‌ترین حقیقتات و اعمال نیک و موجب سعادت و تنعم و کرامت جاودانی او دانسته اشاره می‌کنیم.

خداوند بعد از ترمیم وضع گناهکاران در عذاب آخرت در باره انسان می‌فرماید:

«ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا واذا مسه الخير منوعا».

(سوره معارج/ ۲۱)

همانا انسان حریص آفریده شده است چون بدی به او رسد بسیار ناشکیباست و آنگاه که خیری بدو رسد بسی بخل کننده است. انسان بطور غریزی حریصانه در جستجوی سعادت خویش است و بدین جهت است که اگر شری به او رسد جزع و بی صبری میکند و اگر خیری به او رسد، امساک و بخل می‌ورزد که انسان در این مرتبه محکوم به حکم «ان الانسان لفسی خسر» (سوره عصر/ ۲) است. لیکن آنگاه که خود را بشناسد و کرامت روح ملکوتی خویش را باز یابد و فطرت خداشناسی

۵- شهوت خویش را تحت کنترل دارند:

«والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ايمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون».

- و کسانی که حافظان فروج خویش هستند مگر در مورد همسرانشان یا مملوکشان که ملامت شدنی نیستند و هرکه جز این طلب کند آنها تجاوز گراند.

(سوره معارج آیات ۲۲ تا ۳۱)

رابطه بین نماز و تحت کنترل داشتن شهوات در صورت عکس آن یعنی ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات در آیه ای دیگر چنین ترسیم شده است:

«فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فوف یلقون غیا».

- و از پی آنان باقی ماندگان بودند که نماز را ضایع و مهمل گذاشتند و پیرو شهوتها شدند پس بزودی خواهند دید سرگشتگی ای را (عذاب و هلاکتی را).

(مریم/۵۹)

۶- رعایت امانتداری و عمل به پیمان کنند:

«والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون».

- و کسانی که رعایتگر امانتها و پیمانهای خویش هستند.

۷- اقامه شهادت: «والذین هم بشهادتهم قائمون».

- و کسانی که گواهیهایشان را ادا کنند. (ادای شهادت

می کنند).

۸- در پایان، دیگر بار نماز مطرح می شود و مواظبت بر آن:

«والذین هم علی صلاتهم یحافظون».

- و کسانی که مواظب نمازهایشان هستند.

و سرانجام: «اولئك فی جنات مكرمون».

(معارج ۳۲ الی ۳۵)

- آنها در بهشتها مورد احترام و تکریم هستند.

و در سوره مؤمنون در حالی که محور اصلی رستگاری و راهیابی به بهشت جاویدان، ایمان به خداوند معرفی شده. نماز خاشعانه در صدر نمودارهای ایمان قرار گرفته و سپس مشابه همان ویژگیهایی که در آیات سوره معارج ذکر شده در اینجا نیز آمده است، چنانکه گویی ایمان به خداوند و نماز دوروی یک سکه و هر دو مبین یک حقیقت با آثار یکسان هستند. و واقعیت عام در «ان الانسان لفی خسر» گاهی با تعبیر «الا الذین آمنوا» و گاهی با تعبیر «فقد افلح المؤمنون» و گاهی با تعبیر «الا المصلین» استثناء خورده است.

«فقد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم لتركوة فاعلون. والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ايمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذین هم علی صلاتهم یحافظون اولئك هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون...»

(مؤمنون ۱۱/۱)

مجموعه این ویژگیها و امثال آنها که در آیات و روایات فراوان بیان شده است و وجود یا عدم و شدت یا ضعف آنها در انسان بیانگر و نشانه کیفیت نمازی است که می خواند به این معنی که وجود این آثار و ویژگیها یا عدم و یا ضعف آنها در زندگی انسان مقیاس و محک شناخت نقص یا کمال نماز است، همانگونه که عدم تمکن انسان از دسترسی به آداب باطنی نماز و عدم تحقق «ذکر الله» بوسیله نماز نشانگر نارسائیها و نواقص و بیماریهایی است که در خارج نماز گریبانگیر انسان است. پس توازن و تناسب مستقیم و دقیقی بین نماز و خصوصیات خارج نماز برقرار است و تأثیر و تأثر این دو نسبت به همدیگر چنان عمیق است که تفکیک و ناهماهنگی بین آنها غیر ممکن است.

نمونه این مطلب شرط تقوی در قبولی تمام عبادات و از جمله نماز است. که قرآن به آن تصریح فرموده است:

«انما یقبل الله من المتغین».

(مائده/۲۷)

- خدا فقط از تقوی پیشگان می پذیرد.

و از امام رضا (ع) چنین نقل شده:

«الصلوة قربان کل تقی».

(کافی- ج ۳/۲۶۵)

- نماز وسیله تقرب هر تقوی پیشه ای به خداوند است.

پس نماز فقط از انسان متقی پذیرفته می شود و نماز انسان تقوی پیشه است که موجب تقرب او به خدا می گردد.

بدیهی است که برخوردار از تقوی و آثار نشأت گرفته از آن در صفات و اعمال انسان که سراسر زندگی انسان را در بر می گیرد چیزی نیست که در حین گفتن تکبیر الاحرام به طور ناگهانی پدید آید و با سلام نماز پایان پذیرد بلکه نماز باید مسبوق به تقوی باشد. و بدین وسیله آمادگی لازم را برای انجام نماز کامل و مورد قبول درگاه الهی از قبل و در تمام ساعات و در همه امور و شئون زندگی پیدا کرده باشد و در حقیقت میوه نماز بر شاخه های تقوی می رسد و کمال می یابد و جواز و گذرنامه ورود در حرم قرب الهی که «تکبیر الاحرام» دروازه و



مدخل آن است همانا تقوی است که از قبل فراهم شده است. و این یک مسأله طبیعی و کاملاً محسوس است که انسانی که در طول روز غرق در هم و غم دنیا و حیواناً آلوده به گناهان و فسادهای روحی و عملی باشد بهر اندازه هم تلاش کند نمی تواند به طور ناگهانی در نماز همه آن امور و خاطرات آن را از ذهن و قلب خود بزداید، و اگر فرضاً در یک لحظه توجه خود را به خدا و آنچه می گوید معطوف کند بی اختیار در لحظه دوم و کلمه دوم عنان از کف او خارج می شود و فکر و روح او به سوی همان اموری که قبل از نماز در آن غوطه ور بوده است درمی غلتد. پس آن کس که بخواهد به نماز مقبول دست یابد مستلزم آن است که از قبل با کردار و رفتار شایسته خویش و دوری از گناهان خود را شایسته این مقام کند.

بنابراین، تحقق بخشیدن به نماز مقبول، مستلزم دوری از فحشاء و منکرات و گناهان است به عنوان یک مقدمه، ولی مسأله به همین جا ختم نمی شود و با اقامه نماز مقبول که مقرب به خدای متعال است و در پرتو تقرب به خدا انسان خداگونه شده و صفات کمال در او منجلی و به آنچه او می خواهد و دوست می دارد نزدیک و از هر چه او نمی خواهد و دوست نمی دارد دور می شود بدین سان است که: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» در مرتبه ای بالاتر تحقق می پذیرد. و باز هم نقش نماز از تأثیر بیشتری در انسان برخوردار می شود و اگر هم گناه و آثاری از گناه را بردوش داشته باشد نماز مقبول چنان نورانی در او پدید می آورد که ظلمت و کدورت باقیمانده از گناه را از صفحه دل و کتاب عمل او میزداید. عن ابی عبد الله (ع) فی قوله الله عزوجل:

«ان الحسنات یدھین السیئات قال: صلوة المؤمن باللیل یدھب بها عمل من ذنب بالنهار» از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که درباره سخن خدا «همانا حسنات سیئات را نابود می کند». فرمود:

نماز مؤمن در شب، آنچه از گناه در روز مرتکب شده را نابود می سازد.

(کافی - ج ۳/۲۶۶)

و همچنین از امام صادق چنین نقل شده که فرمود:

«من قبل الله منه صلوة واحدة لم یعد به».

(کافی - ج ۳/۲۶۶)

کسی که خداوند یک نماز را از او قبول فرماید او را عذاب نکند و معلوم است که عذاب نتیجه گناه است و نماز گناه و آثار آن را می زداید. و در روایت دیگر می فرماید:

«من صلی رکعتین بعلم ما بقول فیهما، النصف و لیس ینه و ین الله ذنب».

(کافی - ج ۳/۲۶۶)

کسی که دو رکعت نمازی بگذارد که بداند در آن چه می گوید، از نماز خارج می شود در حالی که گناهی بین او و خدا نیست.

و حضرت امیر المؤمنین چنین فرموده است:

«واتها لتحت الذنوب حت الورق وتطلقها اطلاق الریق وشبهها رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بالخمئة نکون علی باب الرجل فهو یغسل منها فی الیوم واللیلة خمس مرّات فما عسی ان ینقی علیه من الذنوب».

(نهج البلاغه صبحی صالح - خطبه ۱۹۹)

نماز گناهان را همانند ریختن برگ درختان می ریزد و آنها را رها می کند مانند رها کردن بندها و پیامبر خدا (ص) نماز را به چشمه آب گرمی - که شفا بخش بیماریهاست - تشبیه فرموده است که بر آستانه درب خانه مردی باشد و در هر شبانه روزی پنج بار خود را در آن شستو دهد که بدیهی است دیگر کمترین چرکی بر او باقی نخواهد ماند.

نتیجه آن که نماز از چند سوم موجب پاکی انسان از آلاینش گناه و آلودگی رذایل اخلاقی می شود:

۱- چون نماز مقبول باید مسبوق به تقوا باشد، کسی که می خواهد به وسیله نماز به حرم قرب الهی بار یابد باید از قبل خود را با نگهداری حرم حق و رعایت اوامر و نواهی او آماده و مهیا ساخته باشد و این نموداری از تأثیر خارج نماز در نماز است.

۲- با تحقق نماز مقبول و قرب الی الله، تقوی به ثمری می نشیند و به نسبت نزدیک تر شدن انسان به خدا، از زشتیها و منکرات دورتر می شود.

۳- از آنجا که انسان معصوم نیست و علیرغم تلاش برای تحصیل تقوا و دوری از گناه، ممکن است به نوعی آلوده به برخی از گناهان شود و اثر تماس مستمر و غیر قابل اجتناب با امور مادی و دنیوی همواره در معرض تأثیرات منفی و کدورت های دنیوی است. نماز مقبول از چنان کار بردی برخوردار است که تمام آن آثار منفی و کدورتها را از صفحه روح پاک و پاکیزه می کند و در مقابل راه را برای تثبیت فضایل اخلاقی و اعمال صالح و انجام وظایف کاملاً هموار و تحقق تمام آنها را تضمین می نماید. و این نمونه ای از تأثیر نماز در امور خارج نماز است.

و اینک به بیان پاره ای از آداب و اسرار نماز و مقدمات آن و اموری که راه را برای قبول نماز هموار می سازد می پردازیم. ادامه دارد

۱- از آیه ۱۱۴ سوره هود که درباره نماز است:

«واقم الصلوة طریقی النهار و لیل من اللیل ان الحسنات یدھین السیئات ذلک ذکر اللذاکرین».